

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

صفحات: ۴۵-۷۲

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا

مجید توسلی رکن‌آبادی

دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جواد جوزی ده‌سفید*

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گرایش روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران.

چکیده

امنیت انرژی یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های همه قدرت‌های بزرگ و کوچک اقتصادی و سیاسی جهان است که در استراتژی‌های امنیت ملی کشورها در اولویت اول قرار دارد. یکی از ابزارهایی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به نحو مؤثری منافع ملی خود را با آن تأمین نماید، ژئوپلیتیک انرژی منحصر به فرد آن می‌باشد. علت این امر، اهمیت و جایگاه بالای انرژی در امنیت انرژی اکثر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی جهان است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به تاثیر ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی در رابطه با اتحادیه اروپا می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این می‌باشد که نقش ژئوپلیتیک ایران چه تاثیری در امنیت انرژی اروپا ایفا خواهد کرد؟ ایران به دلیل مزیت‌های ژئوپلیتیک خود جایگاه تعیین‌کننده‌ای در امنیت انرژی برای کشورهای اروپایی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای اتحادیه اروپا، گزینه بهره‌برداری از فرصت‌های ایران به عنوان یکی از مطمئن‌ترین، نزدیکترین و ارزانه‌ترین گزینه‌های فرارو محسوب می‌شود که به دلایل سیاسی تاکنون محقق نشده است. اتحادیه اروپا یکی از قطب‌های اقتصادی واردکننده انرژی است. این وابستگی به واردات انرژی ضرورت اتخاذ سیاست‌های راهبردی از سوی جمهوری اسلامی ایران را برای صادرات نفت و گاز به اتحادیه اروپا نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، اتحادیه اروپا، امنیت، انرژی، ایران.

مقدمه

انرژی به عنوان سنگ بنای بقا و توسعه جوامع قرن بیست و یکم با رشد روزافزون جمعیت جهان، توسعه اقتصادی بیشتر کشورها و بالاتر رفتن سطح استاندارد زندگی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار شده است (مختاری و نصری ۱۳۸۹: ۱۰۹). تحولات اقتصادی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه این جوامع را به صورت فزاینده‌ای به حامل‌های انرژی وابسته نموده است، به گونه‌ای که هر گونه اخلاقی در دستیابی مطمئن، مدام و ارزان به منابع انرژی به معنای ایجاد اختلالی جدی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی و حتی بقای این جوامع محسوب می‌گردد و در نتیجه، به تدریج مسأله در دسترس بودن مطمئن منابع انرژی به یکی از مهمترین مسائل امنیتی تبدیل شده است. حضور بازیگران منطقه‌ای و جهانی و مسابقه آنان بر سر منابع انرژی این حوزه‌ها و چگونگی انتقال آن به دنیای خارج، نگاه بازیگران منطقه به ویژه ایران را به بررسی علل واقعی تلاش‌های گسترده سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ اقتصادی آنان در منطقه جلب کرده است. برای اتحادیه اروپا، محدودیت منابع انرژی و همچنین، مشکلات دستیابی مطمئن و ارزان به منابع انرژی باعث شده تا منابع انرژی به عامل حیاتی در عرصه سیاست بین‌الملل تبدیل گردد.

ایران با بهره‌گیری از موقعیت تاریخی خود در منطقه درصدد ایفای نقش بازیگر منطقه‌ای مستقل و برجسته کردن جایگاه خود در افغانستان، عراق، آسیای مرکزی، قفقاز، حوزه خزر و همچنین، در غرب آسیا و جهان اسلام نسبت به سایر کشورهای منطقه است. از زمان انقلاب صنعتی، ژئوپلیتیک انرژی به عاملی مؤثر در آرامش، سعادت و امنیت جهانی تبدیل شده است. بدیهی است که برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک مناسب و ایفای نقش مؤثر در انرژی از دو جهت مثبت و منفی بر امنیت ملی ایران قابل بررسی است. اگر سیاست خارجی ایران همسو با غرب و دنیای صنعتی باشد، ژئوپلیتیک انرژی نقش مؤثر و مثبتی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. در غیر اینصورت، به دلیل تحریم از سوی همین کشورها، داشتن منابع انرژی موجب کاهش نقش ایران در مقام قدرتی منطقه‌ای خواهد شد، که خود عامل بازدارنده و منفی تلقی می‌شود.

طبیعت سیاسی انرژی که با منابع و ذخایر از یک سو و تقاضا از سوی دیگر، مرتبط است، در مواقع بروز بحران‌ها توجه عمومی را به خود جلب می‌کند، به‌ویژه وقتی که بازارهای بی‌ثبات نفت به سرعت قیمت‌ها را تغییر می‌دهند و صدای اعتراضات مردم و رأی‌دهندگان به گوش سیاستمداران می‌رسد. اما سیاست انرژی هر روز پیچیده‌تر می‌شود. سامانه‌های حمل‌ونقل در همه جای جهان و به‌ویژه در اتحادیه اروپا به نفت و انرژی حاصل از آن متکی شده‌اند. بدین ترتیب، هرگونه شوک یا انفجار قیمت در بازار نفت، این قابلیت را دارد که حتی

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ♦
قدرت اقتصادی و سیاسی بزرگی همچون اتحادیه اروپا را به رکود و سردرگمی اندازد. انرژی کالایی راهبردی است که تأمین و امنیت آن نقشی کانونی در امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی دارد. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نقش درخور توجهی در سازمان‌های بین‌الملل و منطقه‌ای دارند و در تعیین روندها و هنجارهای بین‌المللی و ائتلاف‌سازی در معادلات راهبردی جهانی تأثیرگذارند. به همان اندازه که اروپا با کاهش منابع انرژی مواجه می‌شود، امنیت انرژی هم به یکی از کلیدی‌ترین مسائل در چارچوب منافع و اولویت‌های کشورهای اروپایی تبدیل می‌گردد. اتحادیه اروپا به دنبال تنوع‌بخشی به بازار واردات انرژی برای کاهش فشار و نفوذ روسیه بر بازار انرژی خود است و ایران با دارا بودن منابع و موقیت مناسب از جمله گزینه‌های مناسب پیش روی آن‌هاست. در این پژوهش، موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در امنیت انرژی و نقش آن در رابطه با اتحادیه اروپا مورد بررسی و تحلیل می‌گردد.

مبانی نظری

رنالیسم ساختاری

مدل نظری و راهنمای هدایت‌گر مسیر مقاله مورد نظر در تبیین موضوع مورد بررسی، نظریه رنالیسم ساختاری از صاحب‌نظرانی همچون کنت والتز^۱ و رابرت گپلین^۲ است. رنالیسم ساختاری دیدگاهی است که بر اهمیت روابط بین دولت‌ها تأکید دارد و برای شناخت ساختار پدیدارها اهمیت زیادی قائل است و فهم پدیدارها را از رهگذر شناخت ساختارها ممکن می‌داند (ردهیت،^۳ ۲۰۰۴).

تأکید نظریه‌پردازان رویکرد رنالیسم ساختاری بر توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قدرت عمل یک دولت هژمون در تأثیرگذاری بر سایر دولت‌ها و ایجاد یک نفوذ بین‌المللی و عدم تأکید صرف بر منابع مادی قدرت و اجرای آن از طریق زور، نشانگر امتیاز ویژه‌ای است که این رهیافت از خود آشکار می‌سازد. در نتیجه، رویکرد رنالیسم ساختاری از یک‌سو، وجود رابطه‌ای مستقیم میان کنترل و هدایت نتایج، تأثیرات و اهداف را بازنمایی می‌کند و از سوی دیگر، توانایی‌ها و ظرفیت‌های قدرت هژمون را توضیح می‌دهد. حال چه این نتایج، تأثیرات و اهداف قدرت هژمونیک را در سیستم آنارشیک بین‌المللی اجرا و حاکم شود و مبنای اداره سیستم جهانی واقع شود و یا توفیقی حاصل نگردد (های، ۱۳۸۵: ۴۵).

بدین ترتیب، دولت هژمون از ظرفیت‌ها و توانمندی بسیاری در جلب‌نظر یا اجبار سایر

1- Waltz

2- Gilpin

3- Redhead

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
دولت‌ها در پذیرش ساختار اقتصادی و تجاری باز و آزاد برخوردار است. دولت‌های دوست با شرط بهره‌مندی از امتیازاتی که دولت هژمون در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، برتری آن‌ها را پذیرفته و وارد ساختار اقتصاد سیاسی بین‌المللی مبتنی بر تجارت آزاد می‌شوند یا با دولت هژمون دشمنی ورزیده، دولت، یاغی تلقی شده و از امتیازات همکاری با دولت هژمون بی‌بهره می‌گردند (پوراحمدی، ۱۳۷۸: ۴۴، علی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۹۰).

با آثار مهم والتس و گیلپین در دهه ۱۹۸۰، رئالیسم ساختاری پس از جنگ سرد به رئالیسم انتقادی تکامل یافته است. شایان ذکر است که این مکتب هرچند طی تحولات دوران جنگ سرد و بویژه پس از جنگ سرد در هر یک از عناصر اصلی مورد مطالعه (متدولوژی، ایستمولوژی و اوتولوژی) دچار تحولاتی گشته که آن را با چالش مواجه می‌سازد، ولی در هر دوره این تحولات در مورد همه اجزا به یک نسبت نبوده است. برای مثال، طی تحول رئالیسم کلاسیک به رئالیسم تجربی، با انتقادات رفتارگرایی بیشتر چالش‌ها متوجه متدولوژی بوده، در دهه ۱۹۸۰، با چالش دیدگاه‌های پست‌مدرنیستی و فراساختارگرایی، مباحث معرفت‌شناختی بیشتر جلب توجه کرده و پس از جنگ سرد، با به چالش کشیده شدن مفروضات اساسی رئالیسم مانند بازیگر اصلی آن، یعنی دولت، حاکمیت، مبارزه برای قدرت، و غیره، مباحث اوتولوژیکی در کانون توجهات بوده است.

صاحب‌نظران و اندیشمندان نحله فکری رئالیسم ساختاری سعی دارند تا با طرح تئوری ثبات هژمونیک، نشان دهند تداوم حاکمیت قدرتمند رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان پایه‌های اصلی نظام جهانی، وجود و ظهور دولت هژمون را همیشه و همچنان ضروری و قطعی می‌نمایاند. به عبارت دیگر، با طرح و توضیح ابعاد گوناگون تئوری ثبات هژمونیک، نظریه‌پردازان نئورئالیست بر این باورند: از آن جا که تأمین و تثبیت نظم جهانی هژمونیک از طریق ایجاد، تقویت و تحکیم رژیم‌های اقتصادی-سیاسی و نظامی بین‌المللی بر عهده دولت هژمون بوده است، لذا تداوم کار این رژیم‌ها و ثبات نظم جهانی نیازمند وجود یک دولت هژمون است (الیسون، ۲۰۱۴).

بر این اساس، ویژگی‌های اثبات‌گرایی نیز که در برداشت رئالیسم تجربی ساختاری وجود دارند، عبارتند از: هدف علم، شناخت واقعیتی است که بر اساس روابط ساختاری یا علی ثابت و معینی استوار است؛ روابطی که مستقل از ذهن انسان و دارای سازگاری درونی هستند. علم در پی صورت‌بندی دانش فنی است که می‌تواند پیش‌بینی، کارایی و قدرت اعمال کنترل در جهت اهداف معینی را افزایش دهد. علم، دانشی است که از نظر ارزشی بی‌طرف و خنثی است؛ ملاک صدق مفاهیم و گزاره‌ها، انطباق آنها با واقعیت خارجی است؛ پدیده‌های اجتماعی را هم مانند

¹. Alison

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ♦
پدیده‌های طبیعی می‌توان مورد مطالعه قرار داد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

ژئوپلیتیک انرژی

در اصطلاح، «ژئوپولیتیک» رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی بر حسب محیط طبیعی است. بنابراین، رویکرد ژئوپولیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی می‌باشد (سین،^۱ ۱۹۹۵). ارزش و توانایی واقعی یک کشور در گرو منابع طبیعی فراوان و باکیفیت است. غنای هر کشور منوط به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود می‌باشد. منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف. منابع غذایی: منابع طبیعی که منشأ آن خاک و تلاش و فعالیت انسان در زمین است. اساس این نوع منابع طبیعی، کشاورزی و دامداری است.

ب. منابع معدنی: منابع طبیعی در صنعت نقش اساسی دارد. وابستگی بشر به مواد معدنی، که از ویژگی‌های شاخص عصر جدید به شمار می‌رود، یکی از عوامل تمرکز قدرت سیاسی جهان امروز است. هر کشوری برای دستیابی به استقلال، پیش از هر فعالیتی، باید نیازهای اولیه غذایی مردم خود را تأمین نماید، زیرا خودکفایی در این زمینه نقشی ارزنده در تعیین سرنوشت سیاسی کشورها دارد (عزتی، ۱۳۷۱: ۷۵؛ بزرگمهری، ۱۳۹۳: ۶۴۶).

ژئوپلیتیک انرژی به نقش انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و روابط گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. انرژی‌های فسیلی، به ویژه نفت خام و گاز طبیعی، از آنجا که در بیلان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در روابط بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). انرژی یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تولید ثروت و قدرت در جهان کنونی به شمار می‌رود (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۱). بزرگترین کانون‌های مصرف انرژی جهان، مناطق با نرخ رشد بالای اقتصادی هستند. از این رو، صنعت با مواد هیدروکربنی پیوند ناگسسته دارد. این پیوند ناگسسته بین انرژی و صنعت، اساس قدرت در سده بیست‌ویکم است (کاوایانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۴: ۲۹۹). بنابراین، انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه‌ای را در بازی‌های قدرتی نظام جهانی باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله‌مراتبی قدرت جهانی اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این رو، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی از جایگاه امنیت انرژی خود در جهان هستند. بنابراین، در مناسبات قدرت در روابط بین‌الملل،

^۱. Sean

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

چیرگی بر کانون‌های تولید مواد هیدروکربنی و مسیر انتقال آنها در آینده برای بسیاری از کنشگرهای امروزیین واحدهای سیاسی، قابل‌تصور است (کاپوانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۴: ۳۹۹). کنترل منابع انرژی برای استقلال و امنیت ملی همه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده آن دارای اهمیت است. کشورهای تولیدکننده با تلاش برای کنترل و حفاظت مستمر از منابع حیاتی و درآمدزای خود، مایل به مشارکت فعالانه و عادلانه در روند رشد اقتصاد جهانی و استفاده بهینه از منابع آن، برای توسعه اقتصادهای ملی و افزایش استانداردهای زندگی مردم به سوی رسیدن به منافع و اهداف ملی خود هستند. در مقابل، کشورهای مصرف‌کننده نیز تمایل به تضمین جریان دریافت انرژی با پایین‌ترین سطح قیمت و برقراری امنیت راهبردی و حمل‌ونقل آن به بازارهای هدف هستند (موحدیان، ۱۳۸۶: ۱۰۰). به این ترتیب، مسأله دسترسی به منابع انرژی، شامل فسیلی، اتمی، خورشیدی و... و نیز انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌ها و فضاها بدون انرژی و نیازمند، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، همچنین تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، دارای ابعاد مکانی، فضایی و جغرافیایی است و به همین اعتبار، انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۲، مولایی، ۱۳۹۳: ۴۵).

امنیت انرژی:

انرژی شاهرگ حیاتی جامعه اروپاست. رفاه مردم، صنعت و اقتصاد وابسته به منابع انرژی مطمئن و پایدار است، ضمن آنکه مصرف انرژی با انتشار ۸۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای نیز مرتبط است. بنابراین، بحث انرژی یکی از بزرگ‌ترین مسأله‌های امروزه اروپاست، زیرا بنیاد توسعه صنعتی بر انرژی است و نقش انرژی در اقتصاد جهانی به‌گونه‌ای افزایش یافته است که رابطه‌ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کرده است (متقی، ۱۳۸۶: ۱۰).

اولین بار پس از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل بود که کشورهای عربی صادرکننده نفت از ابزار نفت به عنوان سلاحی سیاسی استفاده کردند و ضعف کشورهای قدرتمند که عمدتاً حامی اسرائیل بودند را به نمایش گذاردند. این واقعه همانند شوکی، ارکان ثبات و قدرت کشورهای غربی را به لرزه در آورد و به طور مثال، کشوری همانند ژاپن را با چنان رکود و بحرانی روبرو ساخت که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، رشد اقتصادی همواره مثبت و حتی دو رقمی این کشور را با ارقامی منفی جایگزین کرد و این برای اقتصادی همانند ژاپن که کل چرخه اقتصاد و حیات مردم به فرآیند واردات و صادرات متکی است و منابع انرژی نقش اصلی و

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ❖
تعیین‌کننده در هر دو بخش واردات و صادرات دارد، فراتر از یک فاجعه بود. از همان سال، ژاپن با اتخاذ یک استراتژی جامع کوشید تا ابعاد فاجعه‌آمیز جریان‌ات مشابه بر اقتصاد ملی و آحاد افراد کشور خود را کنترل نماید. این استراتژی جامع دارای ابعاد اقتصادی، کنترل و متنوع‌سازی مصرف و منابع آن، بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای، ایجاد وابستگی متقابل، در پیش گرفتن سیاست احتیاط‌آمیز نسبت به خاورمیانه و موارد متنوع دیگر بود (امینیان، ۱۳۸۴: ۸۵).

با توجه به افزایش مصرف انرژی‌های فسیلی، پیش‌بینی می‌شود که جهان به قله نفت برسد و اکتشافات و تولید نفت رو به افول باشد. قله نفت نقطه‌ای است که در آن، نفت جهانی به حداکثر ظرفیت تولید خود می‌رسد؛ نقطه‌ای که به تعبیری از آن به بعد، تولید جهانی نفت به‌رغم تمامی اکتشافات و تلاش‌های فناورانه برای افزایش تولید و استفاده از منابع غیرمتعارف نفتی رو به افول خواهد گذاشت (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۹: ۲۱۳). به عبارت دیگر، نقطه‌ای است که بعد از آن، تولیدات میداین نفتی سیر نزولی پیدا می‌کند، تقاضا برای نفت بالا می‌رود و قیمت نفت افزایش می‌یابد. موضوع قله تولید نفت را نخستین بار زمین‌شناسی به نام «هوبرت» مطرح کرد. وی استدلال می‌کرد که تولید نفت در میدان‌های نفتی به صورت افزایشی و به شکل منحنی خمیده یا زنگوله، ابتدا به اوج می‌رسد و سپس، سیر نزولی در تولید شروع می‌شود (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

اقدامات پیشگیرانه کشورهای قدرتمند وابسته به انرژی و همچنین، ضعف و تزلزل کشورهای صادرکننده تا سالیان بعد اجازه استفاده مجدد سیاسی از این سلاح را نداد. همچنین، مسأله حرکت مستقل تعیین‌کننده کشورهای دارای منابع نفت، در چارچوب نظام دوقطبی چندان به عنوان عاملی مستقل توان ارائه نداشت. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و طرح مجدد و مکرر ضرورت اتخاذ سیاست مستقل توسط کشورهای در حال توسعه توسط نظام انقلابی، بار دیگر این شمشیر را بر سر کشورهای واردکننده نگاه داشت که در صورت عزم و اراده صادرکنندگان، کشورهای غربی با بحران و فاجعه‌ای جدی روبرو خواهند شد. تحمیل جنگ تحمیلی، پیگیری سیاست‌های جدی ضدایرانی برای ممانعت از کسب نقشی هدایت‌کننده توسط ایران و سیاست‌های مزدورانه و خنثی‌کننده سیاست‌های مستقل توسط کشورهای وابسته عربی تحقق این کابوس کشورهای غربی را به تأخیر انداخت. در طول این سال‌ها، انرژی‌های فسیلی همواره نقشی فزاینده در جوامع داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که تا بیست سال آینده نه تنها انرژی‌های فسیلی و به ویژه گاز در صدر سبد تأمین‌کننده نیازهای جوامع باقی می‌ماند، بلکه میزان مصرف و در نتیجه، نیاز به آن به شدت افزایش می‌یابد (اوپک، ۲۰۰۹).

¹. OPEC

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

در طول سالیان گذشته، منابع انرژی در صدر علائق قدرت‌های بزرگ و عاملی تعیین‌کننده در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آن‌ها به شمار می‌آمده است. در دو دهه پس از فروپاشی نظام دوقطبی کشورهای مسلط بر نظام جهانی با پیگیری سیاست‌های سرکوبگرانه، بهره‌گیری از ابزار نظامی، اشغال و حمله نظامی و اهرم‌های اقتصادی و حتی سازمان ملل کوشیدند تا از اتخاذ سیاست‌های مستقل کشورهای صادرکننده نفت جلوگیری کنند و در این راه حاضر به پرداخت هرگونه بهای اقتصادی، ارزشی، حیثیتی و حتی جانی نیز شدند. به همین دلیل، در طول دو دهه گذشته، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مرکز اصلی تحولات بین‌المللی و محل اصلی منازعات، جنگ‌ها و حتی تمرکز جهان سیاست و قطعنامه‌های سازمان ملل گردید. توسعه روزافزون و بالا رفتن سطح زندگی در جهان و بویژه قدرت‌های در حال ظهوری همانند چین و هند تقاضای این کشورها را برای انرژی بسیار بالاتر برده است.

همه این افزایش تقاضا در حالی صورت می‌گیرد که منابع بسیار محدود باقی مانده و عرضه به دلیل عمر کوتاه منابع در برخی موارد کاهش می‌یابد. در نتیجه این شکاف در حال ایجاد و توسعه بین عرضه و تقاضا و حساسیت مسأله بویژه در درازمدت، منابع انرژی و حتی خطوط لوله و راه‌های مواصلاتی تأمین انرژی به مسایل استراتژیک و امنیتی بسیار حساسی تبدیل شده و موارد مربوط به انرژی و تأمین انرژی به ملاحظه محوری بسیاری از کشورها تبدیل شده است. کنترل منابع انرژی در بسیاری از موارد در اختیار کشورهای مخالف غرب همانند ایران، ونزوئلا و روسیه قرار دارد و ناامنی کشوری همانند عراق و همچنین، حساسیت و نامطمئن بودن همیشگی خلیج فارس عرصه را برای سیاست‌گذاران غربی محدودتر می‌سازد. در چنین شرایطی، حوادث بهار عربی بویژه در کشورهایی همانند بحرین، لیبی، عربستان و... از اهمیت و حساسیت بسیار بالاتری برخوردار می‌گردد. بویژه آنکه چشم‌انداز موجود حاکی از قدرت‌گیری بیشتر اسلام‌گرایان در این کشورها و از دست رفتن اهرم‌های کنترل غرب در این منطقه بسیار حساس می‌باشد. تلاش برای کنترل مناطق ژئوپلیتیکی همانند حوزه دریای خزر در این چارچوب قابل تحلیل است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

ایران و اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل:

ایران به دلایل ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و همچنین، موضوع انرژی ازجمله بازیگران عمده در ساختار جهانی به لحاظ موازنه‌آفرینی و تأثیرگذاری بر روندهای هنجارسازی در عرصه بین‌المللی است (هاس،^۱ ۲۰۰۸). نقش مؤثر ایران در این زمینه مورد تأیید اکثریت

^۱. Has

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا...^۱

کارشناسان این حوزه است. حتی برخی از نظریه‌پردازان ارشد مکتب رئالیسم، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را جهت متوازن‌سازی ساختار نظام بین‌المللی و نظم‌آفرینی در جهان پیشنهاد کرده‌اند که البته، مورد انتقادات جدی هم واقع شده است (کاهل،^۱ ۲۰۱۲). نقش اتحادیه اروپا نیز در جهان فعلی مهم و اثرگذار تلقی می‌شود، به ویژه اهمیت اتحادیه اروپا در ساختار بین‌المللی را باید معطوف به تلاش در جهت ایجاد جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی مؤثر، نظم مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های جهانی و حفظ موازنه بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد.

اکثر شاخص‌ها و نظریات موجود پذیرفته شده جهانی، اهمیت کنش اروپا را در نظام بین‌المللی آتی به لحاظ اثرگذاری در ساختار بین‌المللی و اهمیت هنجارسازی، نقشی قابل‌توجه ارزیابی می‌کنند. همچنین، ایران به عنوان یک کشور دارای سیاست خارجی بی‌طرف در عرصه نظام بین‌المللی و اتحادیه اروپا به عنوان مظهر مکالمه سنت‌های هابزی و کانتی و نماد همزیستی سیاست قدرت‌محور وستفالیایی و هنجارگرایی پساوستفالیایی (مولایی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) می‌تواند شرکای بین‌المللی اثرگذاری برای اکثریت قطب‌های جهانی در تأمین نیازهای فلسفی، اقتصادی، انرژی، حقوق بشری، امنیتی، علمی و فناوری بشر آینده باشند. به ویژه، نقش‌آفرینی ایران معطوف به مشخصات انرژی و نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا عمدتاً معطوف به نیازها و خواسته‌های اقتصادی، تجاری و حقوق بشری است. تأمین این نیازها نقش این دو بازیگر را در عرصه تعاملات جهانی فرارو افزایش خواهد داد.

در واقع، یکی از مهم‌ترین بازیگران آتی تأمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به دلیل قرار گرفتن در یکی از عمده‌ترین حوزه‌های استراتژیک جهانی و دارا بودن اکثریت شاخصه‌های مربوط به ثبات‌سازی و امنیت‌آفرینی، ایران است (امیدی، ۱۳۸۷: ۳۵۴). در نقطه مقابل، اتحادیه اروپا نیز به دلیل متغیرهای زیادی می‌تواند در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اثرگذار باشد. اگر این نکته را مورد توجه قرار دهیم که هر دوی این بازیگران از بی‌ثباتی در نظام بین‌المللی تا چه حد متضرر خواهند شد، اهمیت ثبات‌سازی و ثبات‌جویی برای آنها مشخص‌تر خواهد شد. اگرچه روندهای بین‌المللی در ارتباط با آینده نظم جهانی مشخص نیست، ولی این نکته را نمی‌توان فراموش کرد که ائتلاف‌ها و اتحادیهای جهانی در تعیین ماهیت و نظم آتی نقشی مؤثر خواهند داشت. بسیاری از کارشناسان معتقدند قرارگرفتن هر کدام از این کنشگران در ائتلاف‌های آتی جهانی، تأثیراتی را بر ساختار و نظم بین‌المللی آینده خواهند

^۱. Kahl and Waltz

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
داشت. بر این مبنای «اتحادیه اروپایی را می‌توان عاملی مهم در برقراری توازن سیاسی جهانی تلقی کرد» (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵:۱۳۷، ذکی، ۱۳۹۶:۲۵). در مقابل، الگوی رفتاری راهبردی سیاست خارجی ایران درصدد دستیابی به هدف موازنه‌سازی، متعادل‌سازی و همکاری‌گرایی در حوزه تعاملی با توجه به مقوله بی‌طرفی در سیاست خارجی است.

وابستگی اتحادیه اروپا به واردات انرژی

اروپا گرچه با در اختیار داشتن ۲۰ درصد ناخالص ملی جهانی، بزرگترین حوزه اقتصادی جهانی است و اتحادیه اروپا بر اساس استراتژی تدوین شده در سال ۲۰۰۰، به نام استراتژی لیسبون، قرار بود به پویاترین اقتصاد دنیا پایه دنیا تبدیل گردد (کاپل، ۲۰۱۱: ۴۴)، ولی به دلایل متعدد در این مهم ناکام ماند و امروزه با بحرانی جدی روبرو است و از طرف دیگر، اروپا فاقد ابزار تحمیل اراده در قالب قدرت سخت می‌باشد و این مسأله بر ابهام در امکان تضمین آینده‌ای قابل اطمینان می‌افزاید. کشورهای عضو اتحادیه اروپا مجبور به واردات بیش از نیمی از مصرف خود از خارج هستند و از طرف دیگر، به دلایل اقتصادی و زیست‌محیطی اروپا ناچار است سوخت ذغال سنگ خود را با سوخت‌های جایگزین و عمدتاً نفت و گاز وارداتی جایگزین نماید.

در حال حاضر، حدود ۴۰ درصد واردات نفت اروپا از خاورمیانه و شمال آفریقا تأمین می‌شود (موسسه سیاست اروپا، ۲۰۰۹: ۳۸) و حدود ۴۰ درصد گاز وارداتی به اروپا را نیز روسیه تأمین می‌کند. بخش اعظم واردات اروپا توسط سرمایه‌گذاری گسترده بر خطوط لوله تأمین می‌شود و این مسأله باعث وابستگی اروپا به روسیه در تأمین منابع انرژی خود شده است. کنترل و تسلط روسیه بر بازار انرژی اروپا، قدرت مانور زیادی برای امتیازگیری در اختیار روسیه قرار داده است. حوادث سالهای ۲۰۰۹ شکنندگی وضعیت اروپا را به نمایش درآورد. در این سالها، روسیه به بهانه اختلاف با اوکراین بر سر قیمت گاز، در آغاز زمستان سرد اروپا، گاز ارسالی به اروپا را قطع نمود. این مسأله کشورهای اروپایی بویژه کشورهایمانند فنلاند و استونی که بیش از ۹۸ درصد از سوخت گاز خود را از روسیه تأمین می‌کردند را با بحرانی جدی و قطع سوخت و برق در آن زمستان سخت روبرو نمود. از طرف دیگر نیز روسیه کوشیده است نقش برتر خود در کنترل بازار انرژی اروپا را تداوم بخشد (مجتهدزاده: ۱۳۹۰: ۱۹).

بر اساس آمار ارائه شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف نفت تا سال ۲۰۳۰ حدود ۹۰ درصد افزایش می‌یابد. کل سوخت اتحادیه تا سال ۲۰۳۰ حدود ۴۷ درصد افزایش می‌یابد که ۸۰ درصد این افزایش از منابع سوخت فسیلی تأمین می‌گردد. هرچند بخش اعظم واردات سوخت

¹. Centre for European Policy Institute

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا...^۱

اروپا توسط روسیه تأمین می‌گردد، ولی تأمین این افزایش از توان روسیه نیز خارج است. با توجه به مباحث ذکر شده در مورد وابستگی روزافزون اتحادیه اروپا به انرژی، عدم کفاف منابع داخلی برای تأمین این نیاز، کاهش ظرفیت تأمین داخلی و ناتوانی ذخائر موجود، این واقعیت که بخش عمده‌ای از واردات از روسیه تأمین می‌گردد، تحولات پی‌درپی در کشورها و مناطق نفت‌خیز و توجه به این مسأله که روندهای موجود همگی به تشدید و بحرانی شدن این موضوع منجر می‌گردد، اتحادیه اروپا خود را در وضعیتی بسیار آسیب‌پذیر می‌بیند که امنیت این اتحادیه و تک تک کشورهای عضو را به شدت تهدید می‌نماید. این واقعیت باعث گردیده که در سال‌های اخیر، امنیت انرژی به یکی از مسایل بسیار مهم و سرنوشت‌ساز اتحادیه اروپا تبدیل گردد و در عناوین امنیتی اتحادیه، نهادهای امنیتی از جمله ناتو و تک تک کشورهای عضو قرار گیرد (باهرینگر،^۱ ۲۰۱۰).

تحولات و حوادث سالیان اخیر ابعاد امنیتی مسأله را افزایش داده است. اختلافات با کشور روسیه و عزم روسیه بر استفاده از مزیت خود در تأمین انحصاری نفت و گاز اتحادیه اروپا و اعمال فشار، اروپا را با مشکل امنیتی اساسی روبرو می‌سازد. از طرفی، اتحادیه اروپا به دلیل پیروی دنباله‌روانه از سیاست‌های آمریکا در تحریم ایران خود را از فرصت‌ها و امکانات موجود در انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران نیز محروم نموده است. تحولات بهار عربی و ناامنی ایجاد شده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که از منابع بالقوه و بالفعل تأمین انرژی مورد نیاز اروپا هستند و فرآیند رو به تشدید قدرت‌گیری حاکمیت جریان‌های اسلامی، جریان‌های ضدصهیونیستی و جریان‌های مستقل در این کشورها، فضای اطمینان‌بخشی را که حاکمان مستبد و توتالیتر پیشین این کشورها برای غربی‌ها فراهم کرده بودند، از بین برده و نوعی فضای عدم اطمینان و ابهام برای آن‌ها به وجود آورده است. تحولات بهار عربی در کشورهای دارنده منابع انرژی و تجربه انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای اتحادیه اروپا را که به دلایل هویتی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی پیوندهای گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی دارند، متوجه این خطر امنیتی نموده است که آن‌ها در یک حالت محاصره‌ای قرار دارند که مهمترین شریان حیاتی اقتصاد و بقای جامعه آن‌ها از طرفی در کنترل روسیه و از طرف دیگر، در اختیار کشورهای مسلمان قرار گرفته است.

ژئوپلیتیک ایران و امنیت انرژی اتحادیه اروپا:

مسأله تأمین امنیت انرژی سال‌هاست به دغدغه اصلی کشورهای قدرتمند تبدیل شده است.

^۱. Bahringer

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

آمریکا نیز که در این زمینه احساس ضعف می‌کند، اقدامات گسترده‌ای به عمل آورده که از وابستگی و نقاط ضعف خود بکاهد. اسناد منتشره توسط کاخ سفید حاکی از عزم جدی در این مورد است. اتحادیه اروپا برای غلبه بر این مشکل اساسی امنیتی و وابستگی روزافزون بر واردات انرژی، اقدامات گسترده‌ای به عمل آورده است.^۱ طیف گستره این اقدامات از صرفه‌جویی در مصرف انرژی، یافتن منابع جایگزین نفت و گاز، تعامل بیشتر با روسیه در مطمئن‌سازی بیشتر این بازیگر اصلی، یافتن تأمین‌کنندگان نفت و گاز جایگزین، سازوکارهای سیاسی و حقوقی تا تدابیر نظامی و امنیتی را در بر می‌گیرد (کوهن،^۲ ۲۰۱۱).

کشورهای اروپایی بی‌علاقه نیستند که مبدأ تأمین گاز خود را تغییر دهند، یا حداقل نیازهای خود را محدود به منابع ثابت و ویژه نکنند؛ بنابراین، از دیرباز توجه ویژه‌ای به ایران داشته‌اند که دومین دارنده ذخایر گازی دنیا است. با توجه به سابقه روسیه در قطع جریان گاز به شرق و غرب اروپا، کوشش برای متنوع‌ساختن منابع تأمین گاز اروپا، برای افزایش ضریب امنیت توزیع انرژی، بیش از هر زمان مورد توجه مراکز تصمیم‌گیری در اروپا قرار گرفته است. نکته مهم دیگر در جهت این خواسته، چشم‌پوشی نکردن از قابلیت‌های ایران است که از مسیرهای اصلی انتقال انرژی آسیای مرکزی است. در طول سال‌های گذشته، اروپا درصدد یافتن منابع نفتی مطمئن و جایگزین به آسیای مرکزی و قفقاز روی آورده و طرح‌ها و پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را در این مناطق دنبال کرده است (اومبج،^۳ ۲۰۱۱).

اروپا در سال‌های اخیر به این گزینه نیز توجه کرده است که در مواردی باید از اقدامات و ابزار متفاوتی نیز بهره بگیرد و در چارچوب تجارب قدرت‌های بزرگ اقداماتی با جنس و تأثیر متفاوت را انجام داد.^۴ این گزینه با اقدامات پیشدستانه و حتی به‌کارگیری نیروی نظامی جهت مهندسی نظام منطقه‌ای و دستکاری در معماری بازار عرضه پیوند می‌یابد. شاید نمایان‌ترین تجلی این رویکرد استعماری سنتی که در شکل جدید مجدداً مورد تجربه قرار می‌گیرد را بتوان در دخالت نظامی همه‌جانبه و فراتر از اختیارات مرسوم بین‌المللی در قضیه لیبی مشاهده کرد که کشورهای عضو ناتو در اقدامی همه‌جانبه چنان بر متحد سابق خود تاختند که در عرض چند ماه و با همکاری مردم آن کشور توانستند موفقیت‌آمیزترین مأموریت ناتو را انجام بدهند. بی‌شک می‌توان انجام این امر کم‌سابقه در صحنه بین‌المللی در این مقیاس را مرتبط با منابع غنی انرژی

^۱ <http://www.america.gov/st/texttrans-english/2011/March/20110330120635su0.7276074.html>

^۲ Kuhn and Umbach

^۳ Umbach

^۴ <http://europa.eu/rapid/pressReleasesAction>.

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا...^۱
در نزدیکی مرزهای اروپا دانست. وجود این منابع ارزشمند نفت و گاز در لیبی بود که انگیزه و توجه کافی برای سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان برای مداخله همه‌جانبه را فراهم ساخت.
در مفهوم جدید استراتژیک ناتو که در سال ۲۰۱۰ توسط سران کشورهای عضو ناتو در لیسبون تصویب شد و به عنوان نقشه راه ده سال آینده ناتو مطرح است نیز برای نخستین بار از امنیت انرژی صحبت شده و بیان داشته است که: «ناتو توانایی خود در مشارکت در امنیت انرژی شامل محافظت از شالوده‌های حساس انرژی و مناطق ترانزیتی و خطوط آن را افزایش می‌دهد، با طرف‌های مسأله همکاری می‌کند و در این مورد با متحدین مشورت خواهد کرد.»^۲ در همین چارچوب، آن‌ها نهاد جدیدی را برای بر عهده گرفتن مسایل جدید امنیتی و از جمله مربوط به امنیت انرژی در ساختار ناتو ایجاد نمودند. البته، باید در نظر گرفت که در شرایط کنونی، ناتو هنوز نقشی مکمل در فضای امنیتی کشورهای اروپایی دارد. کشورهای عضو ناتو نیز بیشتر بر توانمندی‌های فردی خود در تأمین امنیت حساب می‌کنند. ورود این مباحث در شرح وظایف و حیطه مسئولیت ناتو را می‌توان تحولی اساسی در ناتویی قلمداد کرد که وظیفه آن بر طبق اساسنامه‌اش، تنها دفاع سرزمینی در برابر حمله شوروی بود (امینیان، ۱۳۸۶: ۸۵). مسایلی از قبیل مسأله امنیت انرژی، اقدامات فرمانطقه‌ای، اقدامات پیشدستانه و اقداماتی از نوع عملیات گسترده ناتو در لیبی از مواردی است که ضمن ایجاد کارکرد جدید برای ناتو، مفاهیم جدیدی در معماری نظام امنیت بین‌المللی نیز ایجاد می‌نماید (راسموسن، ۲۰۱۱).^۳

در این میان، ایران یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان، در سطوح امنیت جهانی انرژی و همگرایی آسیایی نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارد. در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: نخست موقعیت ژئوپلیتیک کشور و سپس، نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی. در واقع، می‌توان در این چارچوب ادعا کرد انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج است. از این حیث، دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می‌یابند. در همین راستا، سند چشم‌انداز بیست ساله جهت‌گیری کلان کشور در دو دهه آینده را در مسیر توسعه برون‌گرا و مبتنی بر تعامل سازنده با جهان تعیین کرده است. این به معنای ضرورت مشارکت و تعامل ایران در امور جهانی با انگیزه استفاده از امکانات خارجی برای توسعه، رفع موانع و تهدیدات بین‌المللی و از همه مهم‌تر، ارائه تصویری از ایران به عنوان «فرصتی بین‌المللی»

^۱- [http://www.undpi.org/Lybia-March-2011/Lybia-war-is-Nato-conquest-of-oil-rich-south-Russian-diplomat-.\(says.htm](http://www.undpi.org/Lybia-March-2011/Lybia-war-is-Nato-conquest-of-oil-rich-south-Russian-diplomat-.(says.htm)

^۲- http://www.acus.org/event/hillary_future-clinton

^۳- Rasmussen

نفت و گاز ایران و فرصت‌های موجود می‌توان گفت موضوع انرژی و چگونگی توسعه آن برای ایران هم یک ابزار قدرت و هم یک هدف سیاست خارجی است. ایران با برخورداری از مزایایی مثل ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان، سابقه طولانی در حوزه انرژی، موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، می‌تواند میان منابع انرژی خود (از جنوب، شرق و شمال شرقی) و مصرف‌کنندگان آسیایی و اروپایی پیوند زند. ایران ۱۳۷ میلیارد بشکه (۱۲ درصد) ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را در اختیار دارد و از این لحاظ، پس از عربستان سعودی، در مرتبه دوم قرار دارد. همچنین، ۲۷ تریلیون مترمکعب (۱۵ درصد) از ذخایر گاز جهان نیز در اختیار ایران است که بعد از روسیه، مقام دوم را به خود اختصاص داده است. کشورمان با تولید روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت و سالانه ۱۲۰ میلیارد متر مکعب گاز، ۴ درصد و ۵ درصد از تولید نفت و گاز جهان را بر عهده دارد (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۲: ۵۶).

ایران در بخش گاز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از یک سو، گاز در راهبرد امنیت انرژی مصرف‌کنندگان آسیایی و اروپایی جایگاهی ویژه یافته است و از دیگر سو، ایران دومین منابع گاز جهان و موقعیت جغرافیایی برتر در منطقه غرب آسیا را دارد. مشی مستقل ایران در مدیریت منابع انرژی خود، ثبات سیاسی پایدار آن و علاقه ویژه این کشور به همکاری با کشورهای آسیایی و اروپایی، ظرفیت‌های آن را گسترده‌تر می‌سازد. همچنین، در برنامه پنج ساله چهارم، طرح‌هایی عظیم در بخش‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی تعریف شده‌اند که قرار است با مشارکت شرکت‌های خارجی اجرا شوند.

در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با برخورداری از موقعیت ویژه خود و با همکاری مصرف‌کنندگان آسیایی در جهت تحقق همکاری آسیایی برای گفتگویی آسیایی در زمینه انرژی، گام‌های مهمی بردارد. نتیجه اینکه امنیت انرژی در شرایط کنونی، دو سوی مصرف‌کننده و تولیدکننده انرژی را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده و ضرورت تعامل و رایزنی بین آنها را فراهم ساخته است؛ زیرا هیچ یک از این دو به تنهایی نمی‌توانند امنیت انرژی را تأمین کنند و هرگونه بحران در بازار جهانی انرژی بر هر دو طرف تأثیرگذار خواهد بود. در واقع، می‌توان گفت منافع مشترک و آسیب‌پذیری متقابل دو روی سکه «وابستگی متقابل» را تشکیل می‌دهند. همین امر می‌تواند زمینه‌ساز استقرار یک الگوی وابستگی متقابل میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی باشد.

بدون تردید، ایران در موقعیتی است که هیچ یک از واردکنندگان انرژی نمی‌توانند جایگاه کشورمان را نادیده بگیرند. البته، نباید از نظر دور داشت که روابط و رقابت‌های سیاسی در تعیین

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا...^۱

نقش کشورها به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی نقش اساسی را ایفا می‌کنند و کشورها با تکیه به ظرفیت‌های خود نمی‌توانند توقع موفقیت در صحنه تعامل بین‌المللی داشته باشند. بخش عظیمی از تولیدات صادراتی در «هلال استراتژیک خزر- خلیج فارس» واقع شده‌اند و اهمیت این مناطق به دلیل سیر نزولی ذخایر نفت و گاز سایر مناطق جهان رو به افزایش است (کیل^۱ و شنون^۲، ۲۰۰۵).

میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی ایران بیان‌کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری‌ترین شرکای مصرف‌کنندگان بزرگ جهان را دارا می‌باشد. بُعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت انرژی جهانی می‌گردد، واقع‌شدن ایران در مراکز کانون استراتژیک انرژی جهان می‌باشد. جفری کمپ در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه با در نظر گرفتن اینکه حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان در بیضی انرژی خلیج فارس- دریای خزر واقع گردیده است، این بیضی انرژی را یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های استراتژیک دوران کنونی می‌داند (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۸۸، ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۲۰). به این ترتیب، پس از فروپاشی شوروی و حاکم‌شدن گفتمان ژئواکونومیک، ملاک قدرت در سده بیست‌ویکم، رقابت بر سر منابع انرژی به یکی از مسائل رایج در جهان ژئوپلیتیک تبدیل شده است. شاید هیچ چیز به اندازه نفت و گاز در سیاست جهان و تحولات ژئوپلیتیک امروز تأثیر نداشته باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

بنابراین، در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: اول، موقعیت ژئوپلیتیک کشور و قرارگرفتن جمهوری اسلامی در کانون بیضی انرژی جهانی؛ دوم، نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی.

ایران بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس است که منافع ملی آن بر مسائل خلیج فارس تأثیر می‌گذارد. ایران به دلایل مختلف قدرت برتر خلیج فارس است و آن را «حیاط خلوت» خود می‌داند. ۶۰ درصد جمعیت حوزه خلیج فارس متعلق به ایران است. ایران از نظر نظامی از تمام کشورهای خلیج فارس قوی‌تر است و قدرت دریایی این منطقه نمی‌تواند با قدرت دریایی ایران مقابله کند. کل سواحل شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و گوشه غربی اقیانوس هند جزو قلمرو ایران است. ایران سرمایه‌گذاری بزرگ و سنگینی در مناطق جنوبی خود انجام داده است. ۴۵ درصد ذخایر گاز طبیعی حوزه خلیج فارس و ۱۶/۵ درصد ذخایر نفت در اختیار ایران است (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۲: ۵۸، سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

در حوزه دریای خزر، امروزه اختلافات موجود بیشتر بر سر منابع سرشار انرژی خزر است و

^۱. Kile

^۲. Shannon

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

توجه کشورهای فرامنطقه‌ای آن منطقه را جلب می‌کند، همچنین ویژگی‌های خاص کشورهای حوزه خزر و نیاز آنها به بازارهای جهانی و صادرات و واردات (به‌ویژه صادرات نفت و گاز که اقتصاد آنها در دهه‌های اخیر به آن استوار است) تحولات منطقه را به سوی عامل انرژی و مسائل نفت و گاز و سیاست‌های مربوط به انتقال آن سوق داده است (وئوقی، ۱۳۸۸: ۲۷). در حوزه دریای خزر، جمهوری اسلامی دارای نقش محوری است. کشورهای ساحلی دریای خزر آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان‌اند. در حال حاضر، کشورهای حوزه دریای خزر از کشورهای تولیدکننده به‌نسبت کوچک نفت و گاز دنیایند که با مشکلات دوران گذار اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

همچنین، ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی ویژه‌ای که در منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. موقعیت خاص ژئوپولیتیکی ایران به‌گونه‌ای است که با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران منجر به گسترده‌شدن همکاری‌های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز می‌شود. این همکاری‌های بخش انرژی همکاری‌های اقتصادی را به دنبال دارد که در نهایت، منجر به یکپارچگی ژئوپولیتیکی ایران با حوزه خزر خواهد شد. تأکید بر همکاری‌های انرژی، اقتصادی و هماهنگی‌های وسیع سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد سازی‌های عمیق در منطقه گردد؛ زیرا اقتصاد ایران اقتصادی وابسته به انرژی است. در واقع، به دلیل وابستگی ایران به فروش نفت و گاز همیشه تحولات خارجی تاحدودی بر اقتصاد کشورمان اثرگذار بوده است. تولید روزانه نفت و قیمت نفت ایران در بازارهای جهانی فاکتورهایی‌اند که همیشه سرنوشت اقتصاد کشور را تعیین کرده‌اند.

در کنار تمام این اقدامات، اروپا به دلایل سیاسی هنوز نتوانسته است این واقعیت را بپذیرد که گزینه‌ای همانند تأمین انرژی از ایران در زمره مطمئن‌ترین و ارزاترین گزینه‌های پیش رو محسوب می‌گردد (بیرزک^۱ و تیستو^۲، ۲۰۱۱).

تحریم‌ها و تأثیر آن بر بازار نفت و گاز ایران:

ژئوپولیتیک غرب آسیا تقریباً بعد از پایان جنگ سرد در حال تغییر است و این تغییر در دهه اخیر به‌واسطه تحولات نظم بین‌المللی و جابه‌جایی‌های سریع قدرت در عرصه جهانی‌شده شدت یافته

^۱. Byrczek

^۲. Tiisetso

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ◇
است. بعد از جنگ سرد و به‌ویژه بعد از بهار عربی، نقش پیشران‌های منطقه‌ای تقویت شده که طبعاً کارکرد مداخله‌گرایانه فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا و اروپا را کاهش داده است. علاوه بر کاهش نفوذ نسبی آمریکا و اروپا در منطقه، افزایش نقش‌های منطقه‌ای بازی‌ساز روسیه و چین، بازخیزش رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران و عربستان، ظهور دولت‌های کوچک نظیر قطر، امارات، اردن، عمان در عرصه تحولات منطقه‌ای و قابلیت‌های آنان برای تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای، فرسایش دولت و ظهور دولت‌های فرومانده و ورشکسته نظیر عراق، سوریه، و یمن، پیدایش واحدهای نیمه‌مستقل در نتیجه تضعیف ساختار دولت-ملت در کشورهایی چون سوریه، عراق و افغانستان مانند حکومت اقلیم یا کانتون‌های گردنشین سوریه، و در نهایت، افزایش چشمگیر و فزاینده نقش بازیگران غیردولتی در شکل دادن به تحولات منطقه‌ای از دیگر عواملی هستند که در تغییر ژئوپلیتیک غرب آسیا و موازنه قدرت در آن تأثیر جدی داشته‌اند.

در یک چنین فضایی که پیامدهای تغییر ژئوپلیتیک غرب آسیا برای اروپا ناخوشایند بوده و مشکلات جدی‌ای را برای آن ایجاد کرده است، برجام نقطه عطف است که برخلاف تمام پویایی‌های قبلی ثابت‌آفرین است و جهان‌پذیری آن است. برجام حرکتی جدی از سوی ایران برای جهان‌گرایی و تعامل با دنیا است که به‌دلیل رفع مانع جدی در روابط ایران با اروپا، باعث شده تا از نقطه‌نظر ژئوپلیتیکی، منافع ایران هم‌پوشانی گسترده‌ای با منافع نظام بین‌المللی از جمله منافع اتحادیه اروپا پیدا کنند.

امنیت انرژی اتحادیه اروپا همیشه یکی از اصول اساسی سیاست خارجی این اتحادیه بوده است. کشورهای اروپایی بطور میانگین روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد می‌کنند. ایران پیش از تحریم‌های دوران اوباما، در نظر داشت با آماده‌سازی زیرساختار لازم در میان‌مدت به اتحادیه اروپا گاز صادر کند، اما میزان مصرف بالای انرژی در داخل و عدم سرمایه‌گذاری لازم برای افزایش تولید در میادین فعال باعث شد تا گزینه صادرات گاز ایران به این اتحادیه در شرایط فعلی غیرممکن به نظر برسد. شرکت‌های فعال خارجی در اثر تحریم‌ها، از پروژه‌های نفت و گاز ایران خارج شدند. عدم نیاز اتحادیه اروپا به گاز اضافی و قیمت پایین گاز نیز عوامل دیگری هستند که پروژه صادرات ایران را به این اتحادیه دشوار نموده است.

اتحادیه اروپا با ادعای ارتباط احتمالی میان درآمدهای ناشی از بخش انرژی ایران و تأمین مالی فعالیت‌های هسته‌ای در ایران و اینکه تجهیزات پردازش شیمیایی و مواد مورد نیاز برای صنعت پتروشیمی، اشتراکات زیادی با تجهیزات و موادی دارد که به کار فعالیت‌های حساس چرخه سوخت هسته‌ای می‌آید، برای اولین بار به تحریم بخش نفتی ایران پرداخت. بر اساس این تصمیم، خرید، واردات یا انتقال نفت خام و محصولات نفتی و نیز محصولات پتروشیمی از ایران ممنوع است. صنعت پتروشیمی ایران نیز تحت تحریم بیست و هفت کشور عضو اتحادیه

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

اروپا قرار گرفت و به این ترتیب، «فروش، تأمین یا انتقال تجهیزات یا فن‌آوری کلیدی برای صنعت پتروشیمی به ایران یا به شرکت‌های ایرانی یا تحت مالکیت ایران که در این صنعت در خارج از ایران فعال‌اند، از جانب اتباع دولت‌های عضو اتحادیه یا از طریق قلمرو دولت‌های عضو یا به وسیله کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت حوزه قضایی این دولت‌ها باید ممنوع شود؛ چه منشأ آن در قلمرو خود آنها باشد یا نباشد. این اتحادیه باید تدابیر لازم را برای تشخیص کالاهای مرتبط که تحت این مصوبه قرار می‌گیرد، اتخاذ کند (خالوزاده؛ افضلی، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۸).

از طرفی، مواضع متناقض روسیه در قبال تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا، به خصوص در زمینه نفت و گاز ایران، نشان می‌دهد روسیه تلاش می‌کند برای تأثیرگذاری بر بازار انرژی اروپا، دست شرکت‌های اروپایی را از منابع نفت و گاز ایران کوتاه کند و به نوعی بازار انرژی اروپا را به خویش منحصر سازد (خالوزاده؛ افضلی، ۱۳۹۰).

یکی از اهداف دولت ترامپ از خروج از برجام و اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران فراهم کردن شرایط لازم برای صادرات بیشتر انرژی و کمک به تقویت صنعت انرژی آمریکاست. یافتن بازارهای جدید برای صادرات ال ان جی آمریکا و تلاش برای فروش ال ان جی به مشتریان نفت و گاز ایران نیز از اهداف دیگر تحریم آمریکا علیه ایران می‌باشد.

در سال ۲۰۱۸، آمریکا روزانه بیش از ۳ میلیون بشکه نفت و میعانات نفتی صادر می‌کند. کره جنوبی بیش از ۶۰ درصد میعانات ایران را وارد می‌کند. آمریکا در زمان اوباما نمی‌توانست به کره جنوبی ال ان جی بیشتری صادر کند. آمریکا با افزایش صادرات ال ان جی به کره جنوبی مایل است میزان واردات نفت و میعانات نفتی ایران را کاهش دهد و به این ترتیب، ایران یکی از مشتریان خود را در میان‌مدت در بازار شرق آسیا از دست خواهد داد. باید در نظر داشت که خواص شیمیایی نفت خام سبک ایران با نفت خام آمریکا متفاوت است. اگر خواص شیمیایی نفت خام ایران با نفت آمریکا (نفت شل) تشابه داشت، این امکان تقویت می‌شد که نفت خام آمریکا در بازار نیز بتواند تا حدی آلترناتیو نفت ایران شود.

آمریکا در نظر داشت صادرات نفت ایران را به صفر برساند. معافیت ۸ کشور عمده نفت ایران از سوی آمریکا باعث شد تا صادرات ایران ادامه داشته باشد. طبق برنامه سند چشم‌انداز توسعه ایران باید در سال ۱۴۰۴، ایران با تولید روزانه ۵۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز معادل ۷ درصد تولید نفت جهانی را بخود اختصاص دهد.

با توجه به تحریم صنعت نفت ایران باید به سیاست کشورهای عمده واردکننده نفت ایران و همچنین، روسیه به عنوان رقیب ایران در بازار انرژی توجه نمود. تصویب این تحریم‌ها در این مقطع زمانی حاکی از این است که اروپایی‌ها ایران را تهدیدی فرض کرده‌اند و از سویی، با این خطامشی همسویی خود را با سیاست‌های دولت آمریکا نشان داده‌اند. البته، در این زمینه

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ♦
وقایع و رویدادهای اخیر را، چه در عرصه مذاکرات هسته‌ای و چه در عرصه تحولات داخلی ایران، نباید از نظر دور داشت. هدف از این تدابیر سختگیرانه، بازگرداندن ایران به میز مذاکره برای حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای است.

ایران با پذیرش برجام و کمک به رژیم منع گسترش، حمایت از ساختار دولت-ملت در منطقه، حمایت از راهکارهای غیرنظامی برای حل مسائل، پرهیز از سیاست هویت و دامن زدن به تنش‌های ناشی از این سیاست و پیروی از هنجارهای جهان شمول باعث شده تا نقش و جایگاه آن در منطقه با نوعی بازاریابی از سوی نظام بین‌الملل روبه‌رو شود که کاملاً به نفع ایران است و به گسترش روابط با اتحادیه اروپا و همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله امنیت انرژی کمک می‌کند.

اتحادیه اروپا تا قبل از سال ۲۰۱۲، بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران به حساب می‌آمد و بعد از برجام عملاً این فرصت فراهم شد تا روابط به سطح گذشته بازگردد. ایران تا قبل از تحریم‌های نفتی ۲۰۱۲، هشتمین صادرکننده نفت خام به اروپا بود و برداشته شدن تحریم‌های نفتی به ایران فرصت می‌دهد تا سقف تولید خود را در بازه‌ای کوتاه افزایش دهد و حتی در درازمدت تقریباً به پنج میلیون بشکه در روز برساند. پیامد چنین تحولی در کوتاه‌مدت، کاهش قیمت نفت یا حفظ قیمت‌ها در سطحی است که در راستای منافع اقتصادی اتحادیه اروپا، کاهش تورم و افزایش درآمد واقعی شهروندان آن خواهد بود.

موضوع مهم در این زمینه، صادرات گاز طبیعی ایران به اتحادیه اروپاست. این اتحادیه به‌عنوان دومین مصرف‌کننده بزرگ گاز در دنیا و ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی در دنیا (با ۳۰ تا ۳۵ تریلیون مکعب ذخایر) می‌تواند شرکای خوبی برای هم باشند. کاستن از وابستگی صرف به گاز روسیه و تنوع‌سازی منابع گازی اتحادیه در درازمدت کاملاً در راستای امنیت انرژی اروپاست و بر روابط آن با روسیه تأثیر جدی خواهد گذاشت.

موضوع دیگر، کمکی است که ایران می‌تواند چه به‌لحاظ عبور خطوط لوله از آب و خاکش و چه به‌لحاظ تأمین منابع گاز خطوط لوله موجود به اتحادیه اروپا نماید، در امنیت انرژی این اتحادیه تأثیر بسیاری خواهد داشت.

در مجموع، برجام شرایطی را فراهم ساخته که به ایران اجازه می‌دهد تا به جهان‌گرایی پرداخته و از منطقه به‌عنوان یک دارایی ارزشمند در راستای جهان‌گرایی و تعامل با نظام بین‌المللی بهره‌گیرد. در چنین متنی، برجام با تأثیرگذاری مثبت بر ژئوپلیتیک در حال تغییر غرب آسیا باعث شده تا ما شاهد بازاریابی از نقش و قدرت ایران در منطقه به‌عنوان یک بازیگر ثبات‌آفرین و نظم‌ساز باشیم که می‌تواند از نقش و جایگاه خود در منطقه برای جهان‌گرایی بهره‌گیرد و با بازخورد مثبت از آن بر تحولات منطقه بیش‌ازپیش تأثیرگذارد. این تحول در دوره پس

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
از برجام به ایران و اتحادیه اروپا فرصت می‌دهد تا از منافع نهفته در روابط گسترده دوجانبه
مشمول بر منافع انرژی از جمله امنیت انرژی در اروپا از یکسو، و امنیت در بازارهای جهانی
انرژی از سوی دیگر، سود برند.

با وجود تحریم‌ها، جمهوری اسلامی می‌تواند به این دلایل جایگزین مناسبی برای تأمین
منابع نفت و گاز اتحادیه در سال‌های آتی باشد: پتانسیل گسترده تولید نفت و گاز در سال‌های
آینده در صورت تحقق سرمایه‌گذاری مورد نیاز، گستردگی خطوط لوله نفت و گاز در سراسر
کشور، امنیت بالای خطوط لوله نفت و گاز در سراسر کشور، نزدیکی به منابع نفت و گاز
کشورهای آسیای میانه، دسترسی به سواحل طولانی در آب‌های آزاد خلیج فارس و دریای
عمان. همه این موارد بیانگر جایگاه ژئوپولیتیکی ایران در امنیت انرژی اروپا می‌باشد که از آن
نمی‌توان چشم پوشید (کاوسی، ۱۳۹۱: ۴).

یکی از مواردی که ایران می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های کلان به آن توجه کند، استفاده بهتر
از ظرفیت میدان‌های مشترک با کشورهای همسایه است. مرز مشترک آبی و خاکی در برخی
حوزه‌های نفت و گاز با کشورهای همسایه باعث شده این مسئله اهمیت زیادی در
برنامه‌ریزی‌های کلان صنعت نفت داشته باشد، به طوری که باید از آن به خط مقدم صنعت
نفت یاد کرد. وجود این تعداد میدان مشترک نفتی و گازی در دریا و خشکی، موضوعی درخور
توجه است که الزامات و ضرورت‌های خاص خود را می‌طلبد.

جمهوری اسلامی می‌تواند از جایگاه ژئوپولیتیکی خود در راستای منافع ملی بهره‌مند شود.
بدیهی است صادرات نفت و گاز کشورهایی که به دریای آزاد راه ندارند (مانند کشورهای قفقاز
و آسیای میانه)، مستلزم همکاری کشورهای متعدد و احداث خطوط لوله پرهزینه برای انتقال
نفت و گاز از این کشورها می‌باشد. ایران بهترین مسیر برای انتقال نفت منطقه است. مسیری
که از ایران می‌گذرد، نسبت به مسیرهای عبوری از روسیه، ترکیه و چین کوتاه‌تر و ارزان‌تر است
و این مسیر برای کشورهایی که قصد دارند با حداکثر ظرفیت و کم‌ترین قیمت به تولید و
صادرات نفت بپردازند، ایده‌آل است (وثوقی، ۱۳۸۸: ۲۷).

با آنکه هنوز آمار و اطلاعات دقیقی درباره حجم ذخایر نفتی دریای خزر در دست نیست،
اما کاملاً مشخص است که این منطقه از پتانسیل لازم برای تبدیل شدن به مرکز توجه
مصرف‌کنندگان نفت در جهان برخوردار است. هر بار که بحث ذخایر نفتی خزر مطرح می‌شود،
ناخودآگاه بحث مسیرهای صادرات نفت این منطقه به میان می‌آید. منطقه خزر دور از اغلب
مسیرهای تجارت بین‌المللی قرار دارد. به همین دلیل اگر تولیدکنندگان نفت در خزر، مسیر
مناسبی را برای صادرات محصولات خود نیابند، استخراج نفت فایده‌چندانی نخواهد داشت. به
اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، بهترین مسیر برای انتقال نفت منطقه، ایران است. مسیری که

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ♦

از ایران می‌گذرد، نسبت به مسیرهای عبوری از روسیه، ترکیه و چین کوتاه‌تر و ارزان‌تر است. این مسیر برای کشورهایی که می‌خواهند با حداکثر ظرفیت و کم‌ترین قیمت به تولید و صادرات نفت بپردازند، ایده‌آل است. سپس، دولت ایران باید با اقدامات خود تولیدکنندگان نفت خزر را به استفاده از مسیر عبوری ایران تشویق نماید. با این حال، میزان نفت عبوری از ایران در چند سال اخیر اندک بوده است (کاووسی، ۱۳۹۱: ۴).

سازوکار دیگری که جمهوری اسلامی می‌تواند با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود از آن استفاده کند، روش «سوآپ» است. در این روش سوآپ، تولیدکنندگان نفت دریای خزر، نفت صادراتی خود را با تانکر به بندر نکا در ایران تحویل می‌دهند؛ سپس ایران این نفت را به پالایشگاه‌های تهران و تبریز انتقال می‌دهد که نفت پالایش شده برای مصرف داخلی توزیع می‌شود. در ازای نفت دریافت‌شده در نکا، ایران معادل آن را از جزیره خارک به سایر کشورها صادر می‌کند. شیوه سوآپ برای صادرکنندگان نفت جذاب است. دو کشور ترکمنستان و قزاقستان چندین سال است که بر این شیوه با ایران همکاری دارند. روسیه در پی ناتوانی در احداث خطوط جدید انتقال نفت به این روش گرایش پیدا کرده است و با ایران همکاری می‌کند (عباسی، ۱۳۹۲: ۵۲).

تحریم خرید نفت ایران توسط اروپا فرصت‌های بی‌نظیری را برای کشور در پی خواهد داشت. افزایش ظرفیت پالایش نفت خام که مستلزم تکمیل پالایشگاه‌های نیمه‌کاره فعلی است و صدور فرآورده به کشورهای دوستی که واردکننده فرآورده شرکت‌های اروپایی‌اند، علاوه بر ایجاد رقابت در بازار تأمین فرآورده‌های نفتی می‌تواند باعث اشتغال‌زایی فراوان در کشور و تزریق ارزش افزوده هنگفت پالایش نفت خام به چرخه اقتصاد ملی گردد.

یک راه دیگر برای حذف دلار و به تبع آن، حذف توانایی غرب در تحریم مبادلات ایران، روی آوردن و گسترش نسبی مبادلات خارجی به صورت «تهاتری» است. در این نوع مبادلات که در بازارهای تهاتری شکل می‌گیرد، مبادلات تقریباً به صورت پایاپای انجام می‌شود و به جای استفاده از ارزهای بین‌المللی، از اوراق ضمانتی (مانند برات و...) استفاده می‌گردد. بازار تهاتری ایرانیان که در حال فعالیت است، از نهادهای با پتانسیل خوب جهت گسترش این نوع مکانیزم است. این پیشنهاد می‌تواند مکمل پیشنهاد فروش ریالی نفت و انرژی باشد.

راهکار دیگر، راه‌اندازی بورس نفت در داخل کشور است که می‌تواند مزایایی برای کشور مهیا سازد. این بورس با توجه به اینکه قیمت‌گذاری در آن با چه واحد پولی انجام گیرد، می‌تواند کارکردهای مختلفی داشته باشد. در صورتی که قیمت‌گذاری به واحد دلار باشد، از لحاظ امنیتی منافعی نصیب ایران خواهد شد. این امر به این دلیل است که بازار نفت تحت کنترل ایران در می‌آید و اثرگذاری‌های دیگر کشورها در آن کاهش می‌یابد. البته، در این نوع

قیمت‌گذاری، مسائل ناشی از واسطه بودن دلار در مبادلات همچنان باقی است و تحریم‌ها می‌تواند به آن ضربه بزند. اما در صورتی که بر پایه ریال قیمت‌گذاری شود، منافع اقتصادی بسیاری برای ایران دارد و در ضمن، ابزارهایی برای مقابله با تحریم تولید می‌گردد. در واقع، می‌توان واسطه‌گری دلار در مبادلات نفت و انرژی کشور را حذف کرد. لازمه اجرای این مکانیزم، ایجاد بازار ارز مستقلی در کشورهای عضو بورس است که در آن، ریال ایران قابل تبدیل به ارزهای کشورهای عضو باشد. با چنین مکانیزمی، می‌توان به اهداف مورد نظر در فروش ریالی نفت، ترویج ریال در کشورهای عضو و همچنین، ایجاد اوراقی بهادار که بر پایه کالا است و در تجارت بین‌الملل کارایی دارد، دست یافت.

با این حال، بهترین حالت برای بهتر شدن روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا و زمینه‌چینی برای گفتگو و تعامل و رفع تدریجی اختلاف‌نظرها می‌باشد. پیشبرد سیاست‌های منطقی و تعامل‌گرایانه با کشورهای اروپایی می‌تواند منجر به فاصله‌گرفتن کشورهای تعامل‌گرا از کشورهای تخاصم‌گرا شود. گفتگو و همکاری با اتحادیه اروپا در مسائل اختلاف‌برانگیز از جمله مسائل حقوق بشری و هسته‌ای می‌تواند برآیندهای بهتری در مقایسه با رویکرد تهاجمی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به علت داشتن ذخایر انبوه انرژی و به دلیل استعدادهای طبیعی سرزمینی و موقعیت جغرافیایی‌اش، بی‌تردید یکی از محورهای مهم اتکای جهان صنعتی در دسترسی به انرژی مورد نیازش در دهه‌های آتی خواهد بود. نفت ایرانی صد و دو سال است که روانه بازارهای مصرف جهان می‌شود، اما در بازار انرژی جهان آنچه که ایران را یک تأمین‌کننده پراهمیت انرژی جلوه می‌دهد و نقش و جایگاهش را تثبیت می‌کند، ذخایر گاز طبیعی ایران است که قادر است با برنامه‌ریزی صحیح و مؤثر، ذخایر گازی خود را به بازارهای تولید قدرت اقتصادی و حتی سیاسی تبدیل نماید. در این میان، حوزه استراتژیکی که توجه به آن رمز ظهور قدرت اقتصادی گازمحور ایران خواهد بود، قاره اروپا و جوامع صنعتی و نیازمند به انرژی این قاره است.

کشورهای اروپایی به صورت فزاینده‌ای با آسیب‌پذیری‌های ژئوپلیتیک و استراتژیک خود در عرصه انرژی روبرو می‌شوند و مسأله انرژی به امری حیاتی و استراتژیک تبدیل شده است و اروپا در صورتی که بخواهد به بازیگر تعیین‌کننده‌ای در صحنه بین‌المللی تبدیل شود، باید بر این مشکل ساختاری غلبه نماید. مشکل انرژی علاوه بر آنکه یکی از مسائل اساسی اتحادیه اروپا می‌باشد، اما تک تک کشورهای عضو نیز با این مسأله روبرو هستند و نمی‌توانند انتظار داشته

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ◇
باشند که در این امر حیاتی تنها به اقدام جمعی و ابتکار دیگران متکی باشند.

برآوردها نشان می‌دهد از سال ۲۰۲۰ به بعد، تولید گاز اروپا در منحنی نزولی قرار خواهد گرفت و رو به سوی کاهش خواهد گذارد. در همین دوره، میزان تقاضای گاز طبیعی در میان کشورهای جهان با رشدی ۱/۸ درصدی مواجه خواهد بود که کانون اقتصادی آن اروپا خواهد بود. با توجه به آشکاری افزایش نیاز اروپا به گاز طبیعی در دهه دوم و سوم قرن حاضر و با رصد شرایط اقتصاد گازی و ذخایر ایران، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران قادر است با برنامه‌ریزی مبتنی بر واقع‌گرایی، کلید امنیت عرضه انرژی به اروپا را در تهران نگه دارد.

برای اتحادیه اروپا گزینه بهره‌برداری از فرصتهای ایران به عنوان یکی از مطمئن‌ترین، نزدیکترین و ارزاترین گزینه‌های فرارو محسوب می‌شده است که به دلایل سیاسی تاکنون محقق نشده است. این تعلل و بهره نبردن از فرصت، هزینه‌های سنگینی بر اروپا تحمیل کرده است و افزایش جهشی تقاضای انرژی توسط چین و هند و همچنین، نزدیکی و دسترسی آسان آنها به بازار ایران این خطر را برای آنها افزایش می‌دهد که این بازار ارزشمند توسط قدرتهای نوظهور تسخیر گردد. دلایل سیاسی بر عدم تحقق و اجرایی شدن بهره‌برداری از فرصت بازار انرژی ایران توسط اروپا سایه افکنده است. در نتیجه، اروپا از فرصتهای موجود در انرژی ایران محروم شده و بویژه در آینده مجبور به پرداخت هزینه‌های غیرقابل‌تحملی خواهد گردید. ولی الزامات ژئوپلیتیک و اقتصادی کشورهای اروپایی را مجبور می‌نماید که به منطلق اقتصادی گردن نهند و ایران نیز باید با تدوین یک استراتژی منسجم شرایط ورود خود و اخذ سهم متناسبی در بازار اروپا را مهیا نماید.

مشکل امنیت انرژی اروپا در سالهای آتی نه تنها حل نمی‌شود، بلکه به مراتب تشدید می‌شود و اروپا و کشورهای اروپایی چاره‌ای جز اتخاذ سیاست‌های جدید نخواهند داشت. کشورهای دارنده منابع انرژی نیز در این محیط باید با اتخاذ سیاست‌های مستقل بتوانند استفاده بهتری از این اهرم قدرتمند ببرند. دهه آینده دهه قدرت کنترل‌کنندگان منابع انرژی خواهد بود. این مسأله جایگاه و نقش بازیگران و عوامل را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دچار تغییرات زیادی خواهد کرد. عوامل اقتصادی نقشی فزاینده و بسیار حیاتی در عرصه سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش بازیگران منطقه‌ای و جهانی پیدا کرده است. همچنین، نقش روزافزون عوامل ژئوپلیتیک را نمی‌توان نادیده گرفت و ایران به دلیل مزیت‌های ژئوپلیتیک خود کماکان جایگاه تعیین‌کننده‌ای برای کشورهای اروپایی خواهد داشت.

ایران اگرچه تاکنون در طرح «نوباکو» که بزرگ‌ترین طرح واردات گاز اروپا از حوزه غیرروسی است، امکان و مجال مشارکت نیافته است، با رایزنی‌های سال ۲۰۱۰ میلادی میان ایران، عراق و سوریه راهکار خط لوله جدیدی برای انتقال انرژی از ایران به حاشیه مدیترانه و از

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

آنجا به اروپا پیشنهاد شد. اگر این ایده به مرحله عمل برسد، ایران میخ قدرت گازی خود در قاره سبز را با موفقیت کوییده است. همه این تحلیل‌ها تنها زمانی می‌تواند به مرحله اجرا برسد که نوعی تعامل و تفاهم سیاسی پایدار میان ایران و اتحادیه اروپایی شکل گرفته باشد. در غیر این صورت، همه این تحلیل‌ها آرزوهایی بر آب است.

گام مهم دیگر که می‌تواند در حضور ایران در راهبرد امنیت عرضه انرژی اروپا و کسب دستاوردها و آثار بعدی آن مؤثر واقع گردد، ایجاد موقعیت حضور در طرح‌های گازی ایران برای آن دسته از شرکت‌های اروپایی است که به صورت تخصصی در حوزه تأمین گاز این قاره فعالیت می‌کنند. این شرکت‌ها در صورت فرصت حضور در طرح‌های توسعه گازی ایران می‌توانند بازاریابی توسعه‌ای گاز ایران در اروپا را انجام دهند و مسیر تبدیل ذخایر گازی ایران به عوامل شکل‌گیری قدرت اقتصادی گازمحور ایران را تسهیل کنند. چون روسیه انرژی را ابزار پیشبرد اهداف سیاست خارجی و امنیتی ساخته، اتحادیه اروپا به دنبال کاهش وابستگی خود در زمینه انرژی به این کشور است. یکی از پیامدهای مهم این رویکرد تبدیل انرژی به اولویت اول سیاست خارجی این اتحادیه در روابط با دیگر کشورهای جهان و توجه به دو منطقه خزر و خاورمیانه است که جمهوری اسلامی ایران در هر دو منطقه جایگاه محوری دارد.

اتحادیه اروپا تحت تاثیر انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری در ایران، افزایش نفوذ در منطقه، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ و جایگاه ایران، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی به‌جای یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه و ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار آمریکا به‌ویژه در پرونده هسته‌ای ایران، تلاش می‌کند تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد. در مجموع، باید گفت، منافع مشترک ایران و اتحادیه اروپا در تعامل و نه در تقابل یا حتی رقابت عمیق‌تر با یکدیگر در ساختار نظام بین‌الملل معنا می‌یابد. تأمل بیشتر ایرانیان و اروپاییان در مورد اهداف و دستورکارهای سیاست خارجی یکدیگر تأمین‌کننده حداکثر منافع دو طرف خواهد بود. اتحادیه اروپا این بار از بهبود اوضاع سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و غرب، این فرصت را پیش روی خویش می‌بیند تا با حساسیت کم‌تر از طرف سایر قدرت‌ها در راستای نیل به اهداف سیاسی-اقتصادی خویش، گام در راهی جدید در منطقه خاورمیانه گذاشته و خود را به عنوان بازیگری مستقل، قدرتمند و باثبات در منطقه خاورمیانه به تثبیت برساند.

منابع

الف: منابع فارسی

- ابراهیمی، شهروز؛ بیری، نیکنام (۱۳۹۵). «روسیه و ناتو: از شراکت استراتژیک تا رقابت استراتژیک»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۶.
- ابراهیمی، شهروز و دیگران (۱۳۹۱). نقش آمریکا در شکنندگی روابط ایران و اروپا در: ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- امید، علی (۱۳۸۷). ضرورت توجه به فشارها و فرصت‌های نظام بین‌الملل در هدایت سیاست خارجی توسعه‌گرا در مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، محمود واعظی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۴). دوام و گسترش ناتو، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۲، شماره ۲.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۶). ایالات متحده و ناتو، تهران: دانشگاه امام حسین.
- بزرگمهری، مجید؛ پورباغابری، عباس (۱۳۹۳). «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ناتو، چالش‌ها و فرصت‌های موجود»، سیاست، دوره ۴۴، شماره ۳.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی‌شدن: همسویی، تقابل و تعادل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۴). تکامل راهبرد ناتو در قبال جنگ سایبری؛ دلایل، ابعاد و مولفه‌ها، مطالعات راهبردی، دوره ۱۸، شماره ۶۷.
- سلیمی، حسین؛ عیوض‌زاده، حسن (۱۳۹۵). «مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد»، مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، دوره ۹، شماره ۳۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات آوای نور.
- خالوزاده، سعید؛ افضلی، توحید (۱۳۹۰). رویکردهای اتحادیه‌ی اروپا در قبال ایران، کتاب اروپا (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ذکی، یاشار؛ غلامی، مجید (۱۳۹۶). «قلمروسازی ژئوپلیتیکی ناتو در حوزه‌های ژئوپلیتیکی غرب جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی دوره ۲۶، شماره ۱۰۱، از صفحه ۹ تا صفحه ۴۳.
- رحمانی، علی و تائب، سعید (۱۳۷۵). گفتگوهای ایران و اروپا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹
- کمپ، جفری؛ هارکوی، رابرت (۱۳۸۳). **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، ج ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاوسی، محمد (۱۳۹۱). **فرصت‌ها و مشکلات ناشی از درآمد نفتی در اقتصاد ایران**. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱). **ژئوپولیتیک**، تهران، سمت، چاپ دوم.
- عباسی، مجید (۱۳۹۲). **تأثیر عامل تروریسم بر تقابل اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱**، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۹.
- کاویانی‌راد، مراد؛ ویسی، هادی (۱۳۸۴). **انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرقی آسیا (فرصت‌ها و تهدیدها)**، دومین کنگره علمی انجمن ایرانیان ژئوپولیتیک، انجمن ژئوپولیتیک ایران، تهران.
- قاسمی، حکیم و ناظری، زهرا (۱۳۹۰). **توسعه ژئوپولیتیکی در دریای خزر و نقش قدرت بزرگ تغییر یافته در منطقه**، فصلنامه ژئوپولیتیک، دوره ۷، شماره ۳.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶). **«نیازهای امروز سرمایه‌داری در حوزه انرژی»**، همشهری دیپلماتیک، تهران: س دوم، ش ۲۲.
- مجتهدزاده، پیروز و رشیدی‌نژاد، احمد (۱۳۹۰). **تحلیل ژئوپولیتیک سیاست خارجی روسیه به سمت برنامه هسته‌ای ایران**، فصلنامه ژئوپولیتیک، جلد ۷ شماره ۲.
- محمدعلی‌زاده، اکبر؛ باقری، حسین (۱۳۹۷). **«دفاع هوشمند، مفهوم جدید در راهبرد امنیتی ناتو تا سال ۲۰۲۰»**، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، دوره ۸، شماره ۳۰.
- مختاری‌هاشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹). **امنیت انرژی و موقعیت جغرافیایی ایران**، ژئوپولیتیک، دوره ۲، شماره ۶.
- موسوی‌شفایی، سیدمسعود (۱۳۸۵). **«جایگاه سیاست انرژی در استراتژی امنیت ملی»**، مرکز تحقیقات استراتژیک، ته‌ران: گزارش تحلیلی شماره ۱۴۵.
- مولایی، عبا الله (۱۳۹۱). **پدیدارشناسی هویت بین‌المللی اتحادیه اروپایی**، تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر.
- مولایی، یوسف؛ غلامی، مجید (۱۳۹۳). **«مفهوم نوین امنیت استراتژیک سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای دهه پیش رو»**، مطالعات سیاسی، دوره ۶، شماره ۲۴.
- موحدیان، رسول (۱۳۸۶). **خاورمیانه؛ دولتهای ملی غیراجتماعی**، انتشارات، وزارت امور خارجه، تهران.
- های، کالین (۱۳۸۵). **درآمدی انتقالی بر تحلیل سیاسی**، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶). **تحولات در عرصه جهانی انرژی و موقعیت ایران**، همشهری

نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تاثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا... ◇
دیپلمات، سال دوم، شماره ۲۲.
-وثوقی، سعید و زارعی، معصومه (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر»، مجموعه خلاصه
مقالات همایش حوزه دریای خزر، رشت: نشر دانشگاه گیلان.

منابع لاتین:

- Alison, Roy. (2014). "**Russian Deniable Intervention in Ukraine: How and why Russia Broke the Rules**". International Affairs, Vol. 90(6).
- Böhringer, Christoph (2010). **Energy Security: An Impact Assessment of the EU Climate and Energy Package**, Oldenburg, Department of Economics, University of Oldenburg.
- Byrczek, Agnieszka and Mogase, Tiisetso (2010). **IRAN AS AN ALTERNATIVE SUPPLIER OF NATURAL GAS TO THE EU**, NewSecEU, the European Commission, Centre for European policy Institute(2009), Long term energy security risks for Europe.
- Kahl, Colin and Waltz, Kenneth, (2012). "Iran and the Bomb Would a Nuclear Iran Make the Middle East More Secure?", Foreign Affairs, 91(5).
- Kile, Shannon N. (2005). "**Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation**", SIPRI, Research Report no.21, Oxford University Press.
- Kuhn, Maximilian and Umbach, Frank (2011). **STRATEGIC PERSPECTIVES OF UNCONVENTIONAL GAS: A GAME CHANGER WITH IMPLICATION FOR THE EU'S ENERGY SECURITY**, London: European Centre for Energy and Resource Security.
- KAPEL ROBERT (2011). **The decline of Europe and the US**, giga focus.
- Rasmussen, Anders Fogh (2011). **NATO After Libya: The Atlantic Alliance in Austere Times, Foreign Policy**.
- Richard N. Hass and Meghan L. O' Sullivan (2004). "**Honey and Vinegar; Incentives, Sanctions, and Foreign Policy**", Brookings Institution Press, Washington, D.C
- Sean M. Lynn-Jones, Michael Brown, and Steven Miller (1995). "**Preface in the Perils of Anarchy: Contemporary Realism and International Security**", Cambridge: MIT Press.
- Haass, Richard, (2008). "**The Age of Nonpolarity**", Foreign Affairs.
- OPEC, world oil outlook (2009). **Vienna: OPEC**.
- Umbach, Frank (2011). **The Black Sea Region and the Great Energy Game in Eurasia**, in Adam Balcer (ed) ,The Eastern Partnership in the Black Sea Region: towards a New Synergy, Warsaw: center for EUROPEAN STRATEGY.
- <http://www.america.gov/st/texttrans-english/2011/March/20110330120635su0.7276074.html>.
- <http://europa.eu/rapid/pressReleasesAction>.

————— ◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

-[http://www.undpi.org/Lybia-March-2011/Lybia-war-is-Natoconquest-of-oil-rich-south-Russian-diplomat-.\(says.htm](http://www.undpi.org/Lybia-March-2011/Lybia-war-is-Natoconquest-of-oil-rich-south-Russian-diplomat-.(says.htm)

-<http://www.acus.org/event/hillary.future-clinton>.

-<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-46319473>.